



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

اقدامات شهید بهشتی در حوزه تعلیم و تربیت در هامبورگ آلمان

علی غزنوی

کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شیراز

ali_ghaznavi@gmail.com

چکیده

در اوایل دهه ۴۰ شمسی آیت‌الله شهید دکتر بهشتی (ره) به عنوان امام جماعت مسجد هامبورگ از طرف مراجع بزرگ ایران در آن زمان، به آلمان اعزام گردید و نام آن را از مسجد جامع ایرانیان به مرکز اسلامی هامبورگ تغییر داد و با انجام برنامه‌های علمی و دینی منظم و حساب‌شده، یکی از بزرگترین پایگاه‌های تبلیغی اسلام در اروپا را بنیان‌گذاری نمود. همچنین با ایجاد تشکیلات مستقل و منسجم برای دانشجویان ایرانی خارج کشور، پایه‌گذار جنبش‌های دانشجویی خارج از کشور شد که اعضا و تربیت‌یافتگان آن در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و سپس شرکت در اداره نظام نوپای اسلامی ایران ایفای نقش کردند. استاد با انجام سخنرانی‌های علمی در مجامع فرهنگی و دانشگاهی و ارتباط با محافل تحقیقاتی اروپا، تحولی در شرق‌شناسی اروپا پدید آورد و نگاه آنان را به اسلام و منابع علمی آن شفاف‌تر نمود. جمع‌آوری و نشر مقالات و سخنرانی‌های دینی و علمی استاد در مدت اقامت در آلمان موجب دستیابی به گنجینه‌ای بزرگ از منابع علمی و دینی خواهد بود.

کلید واژه ها: مرکز اسلامی هامبورگ، فعالیت‌های تربیتی، انسجام، تشکیلات



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ش بحث مسافرت دکتر بهشتی به آلمان مطرح شد. این تصمیم حداقل به دو دلیل عمده اتخاذ شده، یک دلیل سیاسی و یک دلیل هم بر اساس شخصیت بهشتی بود. دلیل سیاسی این بود که پس از دستگیری اعضای هیئت مؤتلفه اسلامی، به دلیل اینکه نام آیت الله بهشتی نیز در میان آنها بود، امکان دستگیری ایشان نیز وجود داشت خصوصاً به خاطر اتفاقات و تحرکات وی در سال ۴۲. و علت دومی که به ویژگی های شخصیتی شهید بهشتی برمی گشت آن بود که پس از بازگشت مرحوم محقق از امامت جماعت مسجد هامبورگ آلمان و درخواست و اصرار مسلمانان این شهر از آیات عظام میلانی، خوانساری و حائری برای اعزام یک روحانی جایگزین به آنجا، بهترین گزینه در آن زمان آیت الله بهشتی تشخیص داده شد؛ چرا که نظر آیت الله خوانساری و میلانی این بود که تعدادی از روحانیونی که به درجه اجتهاد رسیده اند و مدارج دانشگاهی را هم طی کرده و مسلط به زبان انگلیسی و عربی بوده و در حد مطلوبی با جامعه اسلامی آشنایی و اطلاعات مفیدی نیز از سطح بین الملل دارند را به مناطق مختلف دنیا اعزام کنند تا آنها در مناطق مختلف جهان به تبلیغ اسلام بپردازند فردی مانند امام موسی صدر برای لبنان و شهید بهشتی برای هامبورگ آلمان.

البته از نظر خود بهشتی با توجه به کارهای سودمند علمی و تحقیقی آموزشی و اجتماعی که در آن سالها بدان مشغول بودند، برای ایشان این مطلب روشن و واضح بود که از محیط کار و کوشش اسلامی آماده و پر ثمر دور شده و در محیط تازه ای قدم میگذارد، لذا برای بهشتی قبل از هر چیز این نکته مطرح بود که تا چه اندازه توفیق کار ثمربخش خواهد داشت؟ لذا بر حسب آموزه های اسلام، و تربیت اسلامی و بر حسب تجربه های مکرری که در دوران تلاش های گوناگون خود داشتند، یک سوال اساسی برای ایشان مطرح بود و آن اینکه وی بر چه اساسی از تهران به هامبورگ بروند؟ این سوال چنان برای شهید بهشتی ارزش و اهمیت داشت که در شرایط مذکور، این دلیل هم پایه آن دلیل سیاسی مهم قرار گیرد.

شهید بهشتی پس از بازگشت به ایران در این مورد می گوید: (بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی (۱۳۸۰)، بازشناسی یک اندیشه، نشر کانون پژوهش)

"دوستان عزیز! مسلم بدانید که درست است که موفقیت های اساسی، به خصوص در این راه ها، در گرو کاردانی، لیاقت، سرمایه های علمی و انسانی است، ولی قبل از هر چیز در گرو اخلاص است. به خصوص تلاش های دینی، اگر از مجرای اخلاص و هدف گیری صحیح منحرف بشود ممکن است چند صباحی زرق و برقی داشته باشد، اما انجام ندارد حال من با چه انگیزه ای تهران را به سوی هامبورگ ترک می کنم؟ من از این مسافرت چه می خواهم؟ آیا فرصتی را غنیمت می شمارم تا اروپا را خوب ببینم؟ آیا این خواست در من وجود دارد که سالهایی را در اروپا با استفاده از مزایای سهولت زندگی در آنجا، بگذرانم؟ آیا از میدان کار و کوشش به میدان تن آسانی و تن آسایی پناه می برم؛ یا به راستی در خود من هم انگیزه خدمت وجود دارد و قبل از هر چیز تحت تأثیر این انگیزه، این پیشنهاد را می پذیرم؟ شما خودتان می دانید که آنجا که پای سؤال از خویشتن می رسد پاسخ دادن کار مشکلی است. در این موارد انسان آن قدر دچار خود فریبی می شود، آن قدر انسان کار زشت و ناشایست خودش را در پیش چشم وجدانش زیبا و آراسته جلوه می دهد که چه بسا انسان به گناهی دست می آید و خیال می کند ثواب می کند

پاسخ به این سؤال برای من بسیار مشکل بود. مدتها سعی کردم خودم را باز پرس می کنم، خودم را آن طور که هستم دریابم، ببینم راستی تحت تأثیر چه عاملی حرکت می کنم. باید با کمال صراحت بگویم تا آن آخرین لحظه، به آن جواب روشنی که انتظارش را داشتیم نرسیدم.... با زحمت توانستم از وجدان درونی پاسخ نیمه روشنی بگیرم که انگیزه اصلی در این حرکت، خدمت به هدفی است که به خاطر آن هدف، این آقایان عزیز از تو چنین دعوتی کرده اند.

بالاخره با توکل بر خدا تصمیم خود را گرفتم و در اوایل فروردین سال ۱۳۴۴ از راه عراق و اردن و سوریه و لبنان به هامبورگ رفتم. با این قصد که قبل از هر چیز درباره هامبورگ و رسالتی که من ممکن است در زمینه اسلام در اروپا بر عهده بگیرم، از نزدیک مطالعه کنم و اول ببینم کار اسلامی در اروپا تا چه اندازه میسر است؟ در شرایط امروز ما چه لوازمی دارد؟ چه نیروهایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌خواهد؟ آیا مجموع این محاسبات این نتیجه را می‌دهد که من می‌توانم در آنجا منشأ خدمت باشم یا نه؟ به همین دلیل، دوستان عزیز، من تا دو سال و نیم در هامبورگ به صورت موقت زندگی کردم؛ یعنی حتی خانه و کاشانه‌ای مناسب در چند سال اقامت برای خودم تهیه نکردم." به مدد الهی مروری خواهیم داشت بر اهم فعالیت های شهید بهشتی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و در ضمن سعی مان بر آن است که با توجه به نکات آورده شده تحلیلی بر سیره ایشان ارائه گردد.

پیشینه

الف. کتاب زندگی و مبارزات شهید بهشتی به روایت اسناد، محمد رضا سرابندی ۱۳۹۴، نشر میراث اهل قلم این کتاب با توجه به اسناد ساواک در دو بخش نگارش شده در بخش اول کتاب که به ۷ فصل تقسیم شده و به طور منظم و پیوسته از تولد تا شهادت ایشان به استناد اسناد ساواک و سخنرانی های خود شهید و یا خاطرات نزدیکان و همچنین منابع دیگر، مطالب مهمی از شرح زندگانی و فعالیت های ایشان آورده و آنچه واضح است این است که تکیه اصلی کتاب بر بخش دوم یعنی اسناد آن است که بخش اعظم کتاب را هم تشکیل می دهد و نشان از فعالیت های سازنده و موثر دکتر بهشتی دارد. در فصل چهارم از بخش اول کتاب در مورد عزیمت شهید بهشتی به آلمان و تفصیلی از اقدامات فرهنگی و تربیتی شهید در آلمان از جمله اصلاح برنامه های مسجد، تاسیس انجمن های اسلامی دانشجویان و برگزاری مستمر جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ.

ب. کتاب اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی، صدیقه قاسمی ۱۳۸۰، نشر بقیعه در مقدمه کتاب کمبود منابع موجود را از مهمترین موانع پیش روی خود دانسته و نوشتار خود را در زمره اولین آثار در حوزه بررسی اندیشه های شهید بهشتی می داند. خانم قاسمی سیره عملی شهید را در سه برهه مختلف تولد تا عزیمت به قم، از قم تا سفر به آلمان و از بازگشت به ایران تا پیروزی انقلاب در فصل اول کتاب مورد بررسی قرار داده تا مقدمه ای برای شناخت مبانی و اصول فکری ایشان باشد. در راستای موضوع و محور کتاب، تحلیل هایی از سیره عملی شهید بهشتی با توجه به برخی از رفتار و اقدامات ایشان در آلمان صورت گرفته که در خور توجه می باشد.

ج. کتاب بهشتی از زبان بهشتی ج یک به تحقیق و تدوین فرامرز شعاع حسینی ۱۳۹۲، نشر شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر

به گفته نگارنده هدف از مطالعه زندگی و شیوه های مبارزاتی شهید بهشتی، آشنایی با ابعاد و زمینه های مختلف تاریخ انقلاب است و در این راستا به مطالعه آثار به جامانده از شهید بهشتی، کتاب هایی که در مورد زندگی ایشان نوشته شده، بازخوانی روزنامه های ۵۷ تا ۶۱ و بررسی کلیه سخنرانی های و نوشتار به جا مانده از ایشان پرداخته. در جلد اول این مجموعه سه جلدی به معرفی و آشنایی با شخصیت شهید بهشتی و اقدامات ایشان در برهه های مختلف از همان سنین کودکی تا سال ۵۷ پرداخته شده. فصل سوم کتاب به سفر شهید بهشتی به آلمان اشاره دارد و اقدامات مختلف و متعدد ایشان را ذکر می کند. این کتاب، مستند ولی بدون تحلیل اتفاقات و گفتار شهید است، و تنها مبتنی بر نظرات و گفتار وی می باشد و زندگی سیاسی اجتماعی و مبارزاتی ایشان را در مقاطع مختلف از بطن صحبت ها و آثار مکتوب آورده است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی است و روش کار به صورت اسنادی و با استفاده متون در دسترس می باشد. در این پژوهش تلاش خواهد شد با رویکردی توصیفی پس از گرد آوری داده از منابع کتابخانه ای و منابع نوشتاری در دسترس، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شود. سعی اینجانب بر آن است که صرفاً به ذکر رویداد های تاریخی زندگانی این شهید بزرگوار نپردازیم بلکه از دل اعمال و رفتار و گفتار ایشان دلالت های تربیتی بیرون آورده شود چرا که ضمن معدود بودن آثار مرتبط با شهید بهشتی،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بسیاری از آنها نیز غیر تحلیلی می باشد و امید است که برخلاف این جریان گامی هرچند بسیار کوچک در راستای شناساندن اندیشه بهشتی برداشته شود.

بحث اصلی

آشنایی با فضای تربیتی و فرهنگی هامبورگ در بدو ورود بهشتی :

در زمان عزیمت سید حسینی به هامبورگ مجموعاً شش مؤسسه به نام اسلام و وابسته به اسلام وجود داشت:

۱- گروه «هیأت ساختمانی مسجد اسلامی ایرانیان در هامبورگ». این گروه در سال ۱۳۳۲ به ثبت رسیده. یکی از بازرگانان علاقه‌مند که از تهران برای امور تجارتي در هامبورگ اقامت داشته در آن سال با گروهی از دوستان دیگر که علائق دینی داشتند، تصمیم می‌گیرند برای ساخت مسجد اقدام بکنند. تماس‌هایی می‌گیرند با مقامات مختلف و بالاخره در یکی از جلسات خودشان در این زمینه تصمیم می‌گیرند، نامه‌ای به مرحوم آیت الله بروجردی رحمت الله علیه بنویسند و از ایشان تقاضا بکنند که نسبت به ساختمان مسجد آبرومندی در هامبورگ نظر خودشان را بگویند. آقای بروجردی این نظر را تأیید کردند و نخستین مبلغی را که البته خیلی زیاد نبوده، به عنوان اولین سرمایه گذاری برای ساختن این مسجد به هامبورگ می‌فرستند. در آن زمان این هیأت، تحت نام «هیأت ساختمان مسجد اسلامی ایرانیان در هامبورگ» به ثبت رسیده بود.

۲- «جمعیت اسلامی ایرانیان در هامبورگ». این جمعیت در اواخر سال‌های اقامت مرحوم آقای محقق در هامبورگ به ثبت رسیده و محل آن در منزل مسکونی آقای محقق به صورت یک دفتر کار و محل اجتماعات کوچک بوده است. فاصله این محل تا مسجد در حدود سه کیلومتر است، به این ترتیب مسجد به صورت یک ساختمان معطل، در وسط زمینی نسبتاً بزرگ، بدون استفاده، نیمه خراب و به قول آلمانی‌ها و هامبورگی‌ها فقط زشت کننده منظره زیبای آن قسمت از شهر هامبورگ بوده است. جمعیت اسلامی ایرانیان در هامبورگ تا زمان حضور مرحوم آقای محقق، از نظر جمعیتی در درجه اول اهمیت ایرانی‌ها و مسلمان‌های ایرانی مشغول کار و خدمت در آنجا را در بر می‌گرفته است. برنامه‌های اساسی آنها در شب‌های جمعه جلسه قرائت قرآن و تفسیر بوده. در اعیاد و وفات‌ها هم دعوت عمومی تری می‌شده است و در همان جا جلسات نسبتاً بزرگتری، در حدودی که ظرفیت آن منزل اجازه می‌داده، برگزار گردیده است. علاوه بر این، به کارهایی از قبیل ازدواج، اموات، ذبح، پاسخ به نامه‌هایی که از اطراف می‌رسیده و برخوردها و ملاقات‌هایی که گاه و بی‌گاه پیش می‌آمده می‌پرداخته است.

۳- «جمعیت اسلامی هامبورگ» بدون کلمه ایرانیان. این جمعیت توسط یک آلمانی مسلمان به نام آقای عمر شوهر، -که البته بعداً مسلمان شیعه می‌شود- به همراه چند تن از مسلمانان غیر آلمانی دیگر در هامبورگ تأسیس شده و به ثبت رسیده بود. در آن زمان که شهید بهشتی وارد هامبورگ می‌شود آقای عمر شوهر مدت‌ها قبل به برلین رفته و در آنجا زندگی می‌کرد و کار جمعیت را معاون ایشان، که یک مسلمان ایرانی بود، اداره می‌کرد و تقریباً تا آن زمان فقط نامی از جمعیت مانده بود.

۴- «باشگاه مسلمانان آلمانی» این باشگاه به وسیله چند تن از مسلمانان آلمانی در سال ۱۳۳۲ در هامبورگ به وجود آمده و به ثبت رسیده و دارای اساسنامه بوده. هدف این باشگاه این بود که رابطی میان مسلمانان آلمانی‌الاصل و تلاشگر در راه انجام خدمات اسلامی و سازمانهای اسلامی جهان و مسلمانان دیگر باشد. در حدود ۵۰ نفر عضو پیوسته، وابسته و افتخاری داشت که در شهرهای مختلف آلمان و گروهی از آنها، در خارج از آلمان زندگی می‌کردند. آن زمان که شهید بهشتی به هامبورگ وارد شد این جمعیت بعد از یک دوره حدوداً ۱۰ ساله دوران افول خودش را طی می‌کرد و متأسفانه فعالیتهای چشم‌گیری نداشت.

۵- خانه اسلام یک مؤسسه به ثبت نرسیده بود گرچه یک مؤسسه به ثبت نرسیده را نمی‌شود به آن نام مؤسسه اطلاق کرد ولی صندوق دار و مسئولینی داشت. (خانه اسلام) یک خانه ساده و کوچک در نزدیکی دانشگاه بود که به همت یک جوان کارگر آلمانی پر شور مسلمان و با همکاری یک جوان دانشجوی مسلمان آلمانی علاقه‌مند و چند تن از دوستان مسلمان عرب و ترک و پاکستانی در نزدیکی دانشگاه هامبورگ به وجود آمده بود. هدف اساسی این بود که جایی در نزدیکی دانشگاه برای گزاردن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نماز داشته باشند و کار اساسی آنها این بود که نماز جمعه برگزار می‌کردند. در روزهای دیگر هم کم و بیش عده‌ای آنجا نماز می‌خواندند و ضمناً از دو اتاق کوچک بالای قسمت نماز برای سکونت مسلمانان تازه وارد که به آلمان و هامبورگ می‌آمدند و جایی نداشتند استفاده می‌شد. در آن روزها تنها در آن محل نماز جمعه برگزار می‌شود و چندان کار با نشاط دیگری نداشته است.

۶- «مسجد و مؤسسه اسلامی گروه احمدیها و قادیانیها در هامبورگ». این مسجد در حدود سال ۱۳۲۸ شمسی به وسیله سازمان متشکل و فعال مسلمانان احمدی یا قادیانی که مرکز فعالیت و مقر رئیس آنها در شهر ربهه پاکستان هست به وجود آمده بود و اصلاً یک نوع حرکت اسلامی منتسب به غلام احمد قادیانی را به عنوان اسلامی اصلاح شده در دنیا تبلیغ می‌کند. این مسجد وابسته به یک تشکیلات منظم و دارای مرکز و شعبه‌های گوناگون بود و امامی داشت ولی طبعاً اسلامی را ترویج می‌کرد که از زاویه دید خاص این فرقه می‌شناخت، اما از نظر تماس با مؤسسات آلمانی با مدارس، کلیساها و از نظر تشکیل جلساتی در خود مسجد به زبان آلمانی و از نظر پخش نشریات اسلامی به زبان آلمانی، در آن موقع بهترین واحد اسلامی در منطقه آلمانی زبان بود.

به گفته بهشتی در سال ۱۳۴۴، این سازمان در منطقه آلمانی زبان اروپا سه مسجد داشت؛ یکی در هامبورگ، یکی در فرانکفورت، (هر دو در آلمان) و سوم در شهر زوریخ در سوئیس. واحد زوریخ موفق شده بود کتاب‌های گوناگونی، در حدود ۲۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ، درباره اسلام، مناسبات اسلام با مسیحیت، فرهنگ اسلامی و نهضت احمدی و قادیانی به زبان آلمانی چاپ کند و علاوه بر این، در آن موقع ۱۵ سال بود که نشریه ماهانه‌ای در هشت صفحه قطع وزیری به زبان آلمانی به عنوان «در اسلام» منتشر می‌کردند. البته تیراژ این نشریه در حدود ۴۰۰ عدد بود و آن را برای افراد و مؤسسات می‌فرستادند. (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی (۱۳۸۰)، پیشین)

رفع دافعه‌ی یک عنوان

سید حسینی در بدو ورودش به هامبورگ، به فاصله کوتاهی درمی‌یابد که یک اشتباه بزرگ صورت گرفته است و آن اینکه با استعمال و به کار بردن عنوان «جمعیت اسلامی ایرانیان در هامبورگ» تمام تلاش‌های اسلامی را فقط در جمع ایرانیان محصور شده و با آن که اسلام آیینی است جهانی و ملیت نمی‌شناسد، حاملان پیام اسلام در اروپا علامت ملیت به خود زده‌اند. این تیترو این نام جلوی فعالیت‌های اسلامی همه جانبه و وسیع شهید بهشتی در هامبورگ را می‌گرفت. پس قبل از هر چیز لازم بود که تا خودشان را از زیر این نام محدود کننده بیرون بیاورند. بنابراین تصمیم می‌گیرند که اصولاً واحد اسلامی را به نام «مرکز اسلامی هامبورگ» تغییر دهند، تا شعاع‌های وسیع عمل را داشته باشند. هر چند این تغییر نام برای بسیاری ناخوشایند بود اما محمد حسینی خوب می‌دانست که این کار ضرورت دارد و آن کسی هم که باید از ما راضی باشد خداست نه غیر او؛ به قول خودش دیگران را خوش نیاید ما را چه باک! (فرامرز شعاع حسینی ۱۳۹۲، بهشتی از زبان بهشتی ج ۱، فصل سفر به هامبورگ، نشر شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر) به این ترتیب اثر منفی آن نام را از اذهان پاک کردند.

پرداختن به ساختمان مسجد

بهشتی پس از تغییر نام مسجد به ساختمان آن توجه کردند. سید بهشتی متوجه بود که مسجد مهجور متروک به این زودی‌ها مورد توجه این و آن قرار نمی‌گیرد تا برای تکمیل ساختمان آن تلاش شود. لذا پس از برگزاری نخستین جلسه و درس در منزل شخصی که در واقع جلسه معارفه بود، و این مسئله مهم مطرح شد و تصمیماتی گرفته شد. در شب‌های تاسوعا و عاشورا و یازدهم، سه شب جلسه سخنرانی و سوگواری، در همان ساختمان مسجد نیمه تمام سفید نشده کم نور برگزار شد. بهشتی می‌گوید برخلاف پیش‌بینی دوستان در شب دوم که گفته بودند صد صدلی کافی است، چون در این جلسات ۶۰ یا ۷۰ نفر بیشتر نمی‌آیند، در شب دوم صدلی‌ها کم آمد و ناچار شدند برای روز سوم مقدار بیشتری صدلی سفارش بدهند. کم کم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برادران و خواهران مسلمان در هامبورگ عادت کردند و می گفتند در مسجد نیمه تمام هم فعلاً می شود دور هم جمع شویم و از آن پس تمام جلسات بزرگ در مسجد برگزار شد. به این ترتیب مسجد تا حدودی از متروک بودن در آمد، تا آنجا که محل همه ی کارها و ملاقات ها، بحث ها، سخنرانی ها، کنفرانس ها، سمینارها، جلسات آموزشی، کلاس های درس برای کودکان و غیره قرار بگیرد.

تقویت حضور و مشارکت ها کافی نبود و مسأله درجه اول این بود که ساختمان مسجد هامبورگ خراب مانده، ساختمانش ناتمام است و سر و صدای مردم و شهرداری هامبورگ هم در آورده. درواقع مسجد در یک نقطه حساس و زیبای مرکزی شهر هامبورگ بود، جایی که توریست ها و مسافرانی که برای دیدن هامبورگ می آیند از آنجا عبور می کردند. و با دیدن آن مسجد می گفتند این مسجد مسلمان هاست، سال هاست ساخت آن را همین طور نیمه کاره رها کرده اند و این مطلب علاوه بر آنکه مایه سرشکستگی اسلام بود، برای مسلمانان آنجا قابل تحمل نبود. لذا با وجود این برخورد ها به عقیده بهشتی مسأله فعالیت های اسلام در اروپا، به قول بهشتی مسأله درجه دهم بود! و مسأله اول این بود که باید ساختمان مسجد تمام بشود و برادران و خواهران مسلمان ما آنجا از تشر ها خلاص شوند. تاجایی که اگر این کار را می کرد گویا دیگر رسالت خود را در هامبورگ تمام کرده بود؛ (فرامرز شعاع حسینی ۱۳۹۲ ، پیشین) البته سید بهشتی کوتاه همت نبود، تا تکمیل ساخت مسجد را تمام کار این بداند و کاملاً بدیهی بود که تکمیل ساختمان ، اول کار است زیرا مسجد ساختمانی بیش نیست چنانچه محتوای فعالیت های ارزنده ای هم نداشته باشد موزه ای خواهد بود در اروپا.

نکته مهم و قابل توجه اینکه شهید بهشتی منتظر اتمام کار مسجد نماندند و به جای معطل گذاشتن نیروها تصمیم می گیرند که لاقلاً یک قسمت از مسجد را برای انجام کارهای جاری و برگزاری جلسات عادی آماده کنند تا ما بقی کار کامل شود در نتیجه دفتر و محل کار مرکز اسلامی هامبورگ را که تا آن زمان در اتاقی از منزل مسکونی وی صورت می پذیرفت، به مسجد منتقل شود و تمام فعالیت ها در مسجد متمرکز باشد. علاوه بر این، قسمت بیرونی مسجد را نیز تمام کرده و از نیش زدن عابران و کسانی که با ریشخند، مسلمانان را ناراحت می کردند و می گفتند: این مسجد با این منظره زشت به منظره زیبای آلستر و این قسمت شهر ما آسیب رسانده خلاص شوند. (همان)

در مسجد هامبورگ، جلسات هفتگی و ماهانه ای به این ترتیب برگزار می شد: جلسات هفتگی: شب جمعه نماز جماعت، قرائت قرآن، تفسیر و بحث به زبان فارسی. ظهر جمعه نماز جمعه و خطبه به زبان آلمانی. در نماز جمعه، شیعه و سنی ایرانی و غیر ایرانی شرکت می کردند. عصر سه شنبه هم بحث در یک دایره کوچک دانشجویی به زبان عربی بود. ایشان با پشتکاری که داشتند در ماههای نخست ورود به آلمان به زبان آلمانی تسلط کامل یافت به گونه ای که در سخنرانیها، استفاده از متون و کتابها و همچنین در نوشتار به خوبی از این زبان استفاده می نمود.

جلسات ماهانه: در اولین چهارشنبه هر ماه جلسه ای برای دانش آموزان دبیرستان مسلمان به زبان آلمانی، در سومین شنبه هر ماه جلسه ای درباره اسلام برای عموم به زبان آلمانی بود.

جلسات موسمی: به زبان فارسی، مراسم تاسوعا و عاشورا، ۲۸ صفر، میلاد پیغمبر ص ، نیمه شعبان، شب های قدر و عید غدیر، عید فطر و عید قربان با شرکت همه مسلمانانی که به آنجا می آیند؛ و با خطابه عید به زبان های عربی، آلمانی، فارسی و ترکی. (محمدرضا سرابندی (۱۳۸۳) ، بهشتی در هامبورگ ، زمانه شماره ۲۴)

بدین ترتیب مسجد جامع یک مرکزیت اسلامی برای تمام مسلمانان معرفی شد تا در آنجا فعالیت های مذهبی خود را متمرکز کنند چراکه دکتر بهشتی بسیار فراتر از مرز بندیهای جغرافیایی، نژادی و زبانی می اندیشید. این مرکز به تدریج به صورت کانونی برای فعالیت های اسلامی دانشجویان ایرانی معتقد و مسلمان که پناهگاه فکری در خارج از ایران نداشتند و همچنین خارجی های مسلمان و غیر مسلمانی که تمایل داشتند با اندیشه های اسلامی آشنایی پیدا کنند ، تبدیل شد که در ادامه توضیح داده می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ایجاد و ساماندهی تشکیلات دانشجویی

مساله مهمی که ایشان در آلمان با آن مواجه گشت، عدم وجود تشکیلات منسجم اسلامی بین دانشجویان بود. تا آن زمان در خارج از کشور هیچ شکل اسلامی دانشجویی وجود نداشت و به دلیل همین ضعف وقایع پانزده خرداد را رژیم توسط بلندگوهای شرق و غرب هرطور که می توانست در خارج انعکاس داد و از این بابت احساس می شد در خارج از کشور باید پایگاه های اسلامی وجود داشته باشد تا بتواند حقایق داخلی ایران را انعکاس بدهد. به علاوه اکثر دانشجویان ایرانی بعد از خروج از کشور توسط سازمانهای الحادی و کنفدراسیون دانشجویی خارج از کشور عضوگیری شده و تحت تاثیر افکار اینگونه سازمانها به تدریج از فرهنگ اسلامی و شیعی خود دور شده بودند. (بهشتی، محمد (توصیفگر)، سیره شهید بهشتی، نشر موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، سال ۱۳۸۷).

دکتر بهشتی با همت چند تن از جوان های مسلمان ایرانی که عضو «اتحادیه دانشجویان مسلمان» در اروپا بودند و برخی مسلمانان عرب، پاکستانی، هندی، آفریقایی و... کار خود را شروع کرد و پس از آن به تدریج هسته تشکل دانشجویی دیگری به نام «اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان» را بنیان نهاد. بهشتی در مورد تاسیس و نحوه فعالیت های اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، در پاسخ به سوال خبرنگاری چنین می گوید: «من نه عضو بودم و نه به دست من می گشت، من بنیانگذار این انجمن ها بودم و همکاری می کردم و مشاور بودم برای آنها. کمک می کردم در کارهایشان، سخنرانی، مشورت های تشکیلاتی سازماندهی و مختصر کمک های مالی که از مسجد برای آنها می بردم و سمینارهای اسلامی را برایشان تشکیل می دادیم.» احتمالاً دلیل عدم مدیریت مستقیم بهشتی موقتی بودن اقامت ایشان بوده لذا نمی خواستند که تشکیلات را وابسته به شخص خود کنند تا در نبود وی نیز به فعالیت مستقل خود ادامه دهد. به هر حال نتیجه فعالیت های سید در آلمان به وجود آمدن سازمان جامع اسلامی دانشجویی با تشکیلات منظم در بیش از چهارده شهر دانشگاهی آلمان و اتریش بود. و یکی از زیر شاخه های آن انجمن اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان بود که افراد فارسی زبان غیر ایرانی را نیز به عضویت می پذیرفت. (محمد رضا سرابندی (۱۳۸۳)، پیشین)

محمد حسینی لازم می دانست قبل از هر چیز با دانشجویان روابط نزدیک داشته باشد؛ نه فقط با دانشجویان ایرانی، بلکه با همه دانشجویان مسلمان. در واقع بهشتی رسالت اصلی مرکز اسلامی هامبورگ را این می دانست که جوانان مسلمان که برای تحصیل به خارج می آیند در دامن کفر و الحاد نیفتند. این کار بسیار دشوار می نماید اما وقتی صحبت بهشتی را می شنویم با مبنای فکر تربیتی وی نیز تا حدودی آشنا می شویم، سید بهشتی در این باره می گوید:

"وقتی وارد میدان عمل شدیم، دیدیم، کاری است سهل و ممتنع است نه دشوار. اگر از راه وارد شوید سهل است و اگر از بیراهه وارد شوید ممتنع است؛ نه دشوار و اصلاً دشواری معنی ندارد. چه کسی از جوانان پاک ما برای پذیرش اسلام آماده تر؟ شما اسلام را معرفی کنید، آنها جذب می شوند."

از این چند جمله کوتاه متوجه می شویم که مربیان تربیتی ما نباید از دشواری کار بگویند چه اینکه اگر از مسیر صحیح و با ابزار صحیح و لوازم صحیح آمده باشند کاری است آسان اما چنانچه مسیر تربیتی آنچنان که باید، صحیح نباشد مثلاً انگیزه های درونی مربی یا تعالیم وی یا شیوه انتقال مفاهیم آنچنان که باید نباشد جز خسته شدن مربی و متربی کاری از پیش نخواهد رفت. اما از آن طرف چنانچه قلب مربی پاک و آماده باشد-که انصافاً در اکثر قریب به اتفاق هست- و مربی با عوامل درونی و بیرونی صحیح که همان نیت و انگیزه و نوع تعالیم و چگونگی شیوه انتقال و القای آن است پیش رود برکات کار به مرور نمایان شده و زحمات کشیده شده در این مسیر با حلاوت دیدن رشد بیش از پیش مربی فراموش خواهد شد. مربیان مد نظر داشته باشند که چنانچه عوامل درونی و بیرونی گفته شده را رعایت نکنند به هیچ وجه به مقصود تربیتی خود نخواهند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رسید و تنها این جملات را در رفع مسئولیت خود می گویند که نسل جدید با نسل قبل فرق دارد و نسل جدید دیگر دنبال رشد و تربیت نیستند و....

فرزند شهید بهشتی می گوید که پدر بزرگوارش چند نکته اساسی را به اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا تأکید می کردند: " اول این که تمام تلاش کارهای انجمن مصروف و محدود به مسائل سیاسی نشود استدلال شان هم این بود که هر ایرانی مسلمانی که به خارج از کشور می آید باید احساس کند یک پناهگاه دارد که می تواند به آنجا رفت و آمد کند. دوم اعضای انجمن باید بدانند که همه به صورت موقت در آلمان و اروپا هستند و یک روز به دلیل احتیاجی که کشور به آنها دارد باید به ایران بازگردند و مشغول فعالیت شوند لذا باید درسشان را بخوانند و به کشور بازگردند. سوم به لحاظ اخلاقی، مذهب و پاک و درستکار باشند"

این نکات علاوه بر اینکه جامعیت شهید و شناخت جامع وی از اسلام را می رساند، حاکی از آن است که ظرفیت و مقتضیات مخاطبان در نظر گرفته شود. مبدا افراط در یک بعد از دین موجب غفلت از سایر ابعاد دین یا زدگی مخاطبان از تعالیم ما گردد انسان کامل تک بعدی نیست و ابعادی وجودی مختلف را در حد توانایی خویش شکوفا می کند یعنی هم سیاسی است هم درس خوان است هم علقه دینی دارد و اهل دعا و نیایش است هم در بین مردم و از مردم و غمخوار مردم است و.... و در راس همه آنها صاحب هدف است هدف به مثابه چراغ راه است که اجازه نمی دهد در شلوغی ها و دلفریبی های دنیا راه را گم کنی و وظایف و تعهد خویش را نسبت به خاک و هموطنان را فراموش کنی.

"چهارم اتحادیه به لحاظ مالی باید مستقل بوده و به هیچ کجا وابسته نباشد البته خودشان هم کمک مختصری به آنها می کردند ولی این کمکها طوری نبود که آنها را وابسته به خودشان بکند. پنجم ایشان اصرار داشت به رغم درخواست شدیدی که اعضای اتحادیه برای سرپرستی تشکیلات از او می کردند ایشان نقش مشاور را داشته باشد و در اداره و سرپرستی اتحادیه هیچ دخالتی نداشته باشد و اداره و مدیریت با خود دانشجویان باشد." در نشستهای دانشجویی هم این رویه را به دقت اعمال می کرد یعنی صبر می کرد تا همه حرفهایشان را می زدند و نظریاتشان را می گفتند بعد چند نکته را که به نظرش رسیده بود به اتحادیه ارائه می کرد هدف آقای بهشتی این بود که با این رویه خود اعضای اتحادیه رشد بکنند و نگاهشان فقط به ایشان نباشد. (بهشتی، محمد (توصیفگر)، سیره شهید بهشتی، پیشین، ص ۳۸۸)

سخنرانی در مجامع مختلف علمی آلمان:

از فعالیتهای علمی و فرهنگی مهم شهید بهشتی در این دوره ایراد سخنرانی و برپایی جلسات پرسش و پاسخ در محافل دانشجویی مسلمان یا غیر مسلمان، ایرانی یا غیرایرانی بود. آشنایی وی با زبان های انگلیسی، آلمانی و عربی به پیشرفت و توفیق وی در این زمینه کمک می کرد. ایشان مجموعه گفتارهایی به صورت سخنرانی در کلیساها و محافل دانشگاهی داشت که از آن جمله می توان به سخنرانی در کلیسای «اپی فاین» در محله «وینترهود» هامبورگ در دوازدهم مهرماه ۱۳۴۴ برای فرقه ای از مسیحیان پروتستان که به جمعیت منتظران مسیح معروفند اشاره کرد. همچنین سخنرانی و بحث آزاد در محفل دانشجویی شهر هانور آلمان با موضوع «اسلام دین اندیشه و انتخاب» که از نظر خود دکتر بهشتی بسیار پربار بود و تاثیر زیادی در گرایش جوانان به سمت اندیشه های دینی و مبارزه تحت لوای آن داشت. همچنین سخنرانی ایشان در شهر گراتس در حضور بیش از صد و پنجاه دانشجوی ایرانی که در پایان، جلسه پرسش و پاسخ تا نیمه های شب به طول انجامید. اینگونه سخنرانیها و شرکت در مجامع مختلف باعث شد که «صدای راستین اسلام» در قلب اروپا طنین انداز شده و وجدانهای پاک و آزادیخواه را به خود جلب نماید.

شهید بهشتی برای برقراری ارتباط با جوانان و پیروان سایر مذاهب روش خاص خود را داشتند. ایشان با سعه صدر با جوانان گفتگو می نمود و با درک واقعیات و شرایط موجود با افراد و تشکل های مختلف برخورد می کرد که روش ایشان تا حدود زیادی متفاوت از شیوه های سنتی موجود در بین روحانیون بود. ایشان با همین روش توانست تعداد زیادی از دانشجویان را متشکل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کرده، همچنین محبوبیت زیادی در بین آنها به دست آورد. آیت الله بهشتی در نامه‌ای که از آلمان برای آیت الله میلانی فرستاد فعالیت‌های خود را این چنین گزارش می‌کند:

«اصولا تماس یک عالم با مردم، باید براساس تفاهم و شناسایی کامل یکدیگر باشد و این اصل در همه جا و همه وقت لازم رعایه است. بنابراین در مورد شناساندن اسلام به مردم آلمان یا دیگر بلاد در اروپا، قبل از هر چیز اولاً شناختن اسلام ثانیاً شناختن مردم اروپا، لازم است. تازه مردم اروپا هم مثل مردم دیگر یکجور و یکپارچه نیستند و دسته‌های بسیار مختلف با طرز فکریهای بسیار گوناگون دارند. قسمتی از کار فعلی من همین شناسایی است. در حدود امکان و در حدود وسایلی که فعلا در اختیار داریم.» (محمدرضا) سرابندی (۱۳۸۳) ، پیشین)

آثار مکتوب دوران اقامت شهید بهشتی در خارج از ایران :

در این دوره از زندگی فکری و علمی شهید بهشتی آثار ارزنده‌ای نیز باقی مانده است. از جمله این آثار گفتارهای ارزنده ایشان به زبان های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی است که در نشریه «اسلام مکتب مبارزه» و «صدای اسلام» که خود ایشان آنها را منتشر می‌کرد، به چاپ رسیده است. در واقع از پیشنهادهای بسیار موثر و سازنده شهید بهشتی به اعضای ایرانی اتحادیه انجمن های اسلامی اروپا در آلمان انتشار یک نشریه بود که تا قبل از ورود شهید بهشتی در آلمان سابقه نداشت ایشان می گفت «شما باید تمام آنچه انجام می دهید منعکس کنید و در تمام سطح اروپا منتشر کنید». (بهشتی ، محمد (توصیفگر)، پیشین ، ص ۳۷۷) و احتمالا این سفارش توجه بهشتی به اهمیت و لزوم تبلیغات خصوصا در آن محیط به جهت دیده شدن کار و پیشبرد مسائل بوده و این نشان از درک مقتضیات و شرایط محیط تربیتی شهید بهشتی می باشد. این نکته نیز ناگفته نماند که خود شهید بهشتی هم در هر شماره این نشریه مقاله می فرستادند و حتی از انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در امریکا هم مقالاتی برای نشریه می آمد و چاپ می شد و به طور کلی این نشریه در حد قابل قبولی توانست بین دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم خارج و شخصیت‌های فرهنگی کشور انسجامی ایجاد کند و آنها را در برابر گروه های غیر مذهبی صاحب تشکیلاتی منسجمی بکند . (همان)

از تألیفات شهید بهشتی کتاب نماز چیست؟ است که این کتاب را در دوران اقامت در هامبورگ برای آشنا کردند مسلمانان اروپا با موضوع نماز نوشتند و برای اولین بار در سال ۱۳۴۷ در ایران به چاپ رسید در این کتاب شهید بهشتی علاوه بر تشریح نماز از نظر شکل و محتوا تأثیر عمیق نماز در انسان را هم بیان میکنند. همچنین از دیگر آثار مکتوب ایشان می توان به یک دوره تفسیر قرآن از سوره‌های بقره تا سوره نساء که بخش هایی از آن اکنون نیز در دست می‌باشد اشاره کرد. از جمله سخنرانی ها و گفتارهایی که مرحوم دکتر بهشتی در کلیساها و محافل دانشگاهی در راستای معرفی چهره راستین اسلام در این زمان داشته‌اند نیز برخی اکنون در دسترس می‌باشد و جزواتی از این سخنرانی ها نیز به زبان های فارسی، آلمانی، انگلیسی، عربی و ترکی در مرکز اسلامی هامبورگ و به قلم ایشان منتشر گردیده که جهت آشنایی تازه مسلمانان بسیار مفید و موثر است. علاوه بر این کتاب صدای پای اسلام در اروپا که توسط دکتر بهشتی در آلمان نوشته شده بود به دلیل ممانعت ساواک فرصت انتشار نیافت. کار دیگر بهشتی بررسی مطبوعات اروپایی و آن قسمت از مطبوعات اروپاست که درباره اسلام بحث می‌کردند. و به چند نشریه که با زبان های غیر واقع بینانه و نیش‌دار به اسلام حمله می کردند، نامه می نوشتند. (همان، ص ۳۷۹)

مسافرت های علمی و مذهبی در دوران اقامت در آلمان :

در طول ۵ سال اقامت آیت الله بهشتی در شهر هامبورگ که تا سال ۱۳۴۹ شمسی به طول انجامید ، ایشان سفرهای زیادی به کشورهای اروپایی و اسلامی داشتند. مثلا در ترکیه از فعالیت های اسلامی دانشجویان و مساجد قدیمی این کشور بازدید کردند. و در عربستان به زیارت خانه خدا رفتند همچنین سفرهایی به سوریه و لبنان داشتند و از خاطرات ایشان در این مسافرت ها دیدار و گفتگو با امام موسی صدر بود که تا سال های پایانی حیاتشان همیشه از آن یاد می‌کردند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از جمله فعالیت های عمده فرهنگی و علمی شهید بهشتی در این دوره ارتباط و تماس ایشان با محافل علمی و تحقیقاتی در اروپا بود که در زمینه اسلام، اندیشه و تاریخ آن تحقیق می کردند؛ تماس مکرر دانشگاه های خارج از کشور و دعوت های متعدد اساتید رشته های شرق شناسی و اسلام شناسی در آلمان و سایر کشورهای اروپایی و ایراد سخنرانی ها و ارائه مقالات فراوان در زمینه اسلام و از سوی دیگر آشنایی عمیق شهید بهشتی با فرهنگ غربی از دستاوردهای مهم این مسافرت ها بود. به داستان زیر که خود بهشتی نقل می کند توجه کنید :

"در یکی از سفرهایم به شهری به دعوت دوستان عرب، آنها گله کردند فلانی آخر! مگر ایران کشور اسلامی نیست؟ گفتم: چرا. من هم از همان کشور می آیم. گفتند: پس چرا این دانشجویان ایرانی اصلاً نه به نماز می آیند، نه اثری از مسلمانیشان است؟ گفتم: در این شهر کسی به انجمن شما می آید؟ گفتند: نه، گاه گاه یک نفر می آید. گفتم: رفقا حقیقت این است که مشکلی در کار دانشجویان ایرانی وجود دارد که این مشکل همگانی است. فکر می کنم در کار دانشجویان کشورهای دیگر هم این مشکل هست و آن این است که دانشجوی مسلمان ایرانی، از ایران که به اروپا و آلمان آمده. چه زبانی بلد است؟ زبان فارسی. انگلیسی هم در مدارس ما مثل مدارس خودتان چهار تا کلمه آی ام استیودنت یاد گرفته، آلمانی هم که بلد نیست. فرض کن سه ماه هم در یکی از این مؤسسات درس خوانده باشد، چه یاد گرفته؟ به قول یکی از ایرانی های مقیم آلمان اولین جمله ای که سعی می کنند یاد بگیرند این است که بگویند -ایش لیبه دیش- (یعنی من تو را دوست دارم). این هم زبان آلمانش. خب حالا می آید آنجا در جلسه اسلامی شما، شما هم که از دوستان عرب هستید، اگر عربی صحبت کنید که او نمی فهمد، اگر هم آلمانی صحبت کنید باز هم او نمی فهمد، خوب امروز را می آید، هفته دیگر هم آید، هفته سوم خسته می شود، می گوید بروم آنجا که به زبان خودم صحبت می کنند. آن وقت تشکیلات دانشجویی دیگری وجود دارد که در آنجا به زبان خودی صحبت می کنند، اما از اسلام در آن خبری نیست و آنها این جوان را، جذب می کنند. دو سه سال می گذرد تا این جوان، آلمانی یاد بگیرد اما کی؟ دیگر دیر شده و از دست رفته. بیا باید کاری بکنید که ما در داخل این تشکیلات وسیع اسلامی دانشجویی، وسیله ای برای جذب جوانان تازه وارد از همان لحظه اول فراهم بیاوریم."

همانطور که دیدید سید بهشتی به شرایط و مقتضیات حال مخاطب توجه دارد و خود را جای ایشان می گذارد و تنها از مربی و مرجع، قضاوت نمی کند به عبارت دیگر دید بهشتی محدود به مکان آموزشی و تربیتی نیست و پیش زمینه ها و حواشی موثر بر متن را هم در نظر دارند. وی در ادامه مطلبی را ذکر می کند که نشان می دهد به عنوان یک مربی به شرایط درونی مربی که همان اخلاص است توجه دارد و می داند که گاهی برخی از کارهای متریبان هر چند که ظاهر و اسم دینی دارد اما سر منشا آن عدم اخلاص است چنانچه داستانی دیگر را نقل می کند و نشان می دهد که بهشتی از فریب زیبا و پنهان نفس غافل نیست :

"چندتن از دوستان دانشجوی با ایمان و با اخلاص که من همیشه باید از آنها به نیکی و قدردانی یاد کنم، در گیسن و برانشوای و بعضی از شهرهای دیگر آلمانی زندگی می کردند نامه ای نوشتند که فلانی ما تصمیم گرفته ایم یک سازمان دانشجویی اسلامی ایرانی درست کنیم، نظرت چیست؟ به آنها نوشتم رفقا، اصل فکر بسیار خوب است به همین دلیل با آن موافقم؛ اما از اینکه شما بخواهید از آن سازمان جامع اسلامی دانشجویی منشعب شوید و بگویند ما یک سازمان دانشجویی اسلامی ایرانی هستیم، از این خوشم نمی آید و این برخلاف منطبق اسلام است. به شما پیشنهاد می کنم کارتان را شروع کنید اما با این نام: «اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا - گروه فارسی زبان»؛ حساب بیاید روی زبان، یعنی ما عضوی و بخشی از آن اتحادیه هستیم ولی به زبان فارسی فعالیت می کنیم. این دوستان مخلص فهمیده، بدون هیچ نظر دیگر این پیشنهاد را قبول کردند."

سرانجام تلاش پیگیر جوانان با همکاری مداوم و بی دریغ مرکز اسلامی هامبورگ در آن چند سال بدان جا رسید که تا زمان عزیمت بهشتی به ایران در چهارده شهر دانشگاهی آلمان و اتریش انجمن اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان با تشکیلات



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منظم وجود داشت. در این چهارده شهر آغوش گرم این انجمن ها برای پذیرش هر فارسی زبان تازه وارد که علاقه دینی داشته باشد باز است؛ حتی افغانان فارسی زبان، عراقی ها و پاکستانی هایی که فارسی می دانند. در این باره شهید جمله ای دارد که بیانگر تقدم کیفیت کار تربیتی بر کمیت آن است و اینکه مری نباید صرفاً نتیجه محور باشد همانطور که بزرگان می گویند ما مامور به وظیفه ایم نه نتیجه : "در بعضی از انجمن ها، تعداد افراد خیلی زیاد نیست، مسأله مهم فعالیت صحیح است." (فرامرز شعاع حسینی ۱۳۹۲ ، پیشین)

خدمات تعاونی و رفاهی :

کار دیگر مرکز اسلامی هامبورگ، همان طور که هر مسلمانی باید انجام بدهد انجام خدمات تعاونی در حدود امکانات، حل اختلافات خانوادگی و غیر خانوادگی در حدود فرصت، راهنمایی بیماران، دانشجویان و نیازمندان، کمک های مالی به نیازمندان در حدود امکان و مخصوصاً همدردی با مردم مسلمان رنج دیده از حوادث آن روزگار بود. (بهشتی ، محمد (توصیفگر)، پیشین و محمدرضا سرابندی(۱۳۸۳) ، پیشین)

برگزاری کلاس های آموزشی:

فعالیت دیگر مرکز، ایجاد کلاس های مخصوص تعلیم زبان فارسی و خط، تعلیمات دینی، معلومات عمومی درباره جهان اسلام و ایران برای نوآموزان در چهار سطح مختلف بوده است که محل برگزاری آن را به مسجد منتقل می کنند. در واقع تا قبل از آن این کلاس ها در خارج مسجد بود و به وسیله گروه های دیگر به وجود آمده بود و سهم مسجد در آن، فقط تعلیمات دینی بود، اما اکنون تمام کار در مسجد انجام می شود. (همان، ص ۳۸۰)

تماس روز افزون است با آلمانی های علاقه مند به آشنایی با اسلام از راه های مختلف

پذیرفتن گروه های مختلف دانش آموزی و دانشجویی و غیر اینها که برای دیدن مسجد و گفتگو درباره اسلام به مسجد می آیند. بنظر بهشتی علاقه نسبتاً وسیعی در اروپا به خصوص در نسل جوان برای شناختن ادیان و جهان بینی های مختلفی که در دنیا شهرت دارند وجود دارد و از این علاقه برای شناساندن صحیح اسلام به مردم اروپا حداکثر استفاده را می توان کرد؛ به شرط داشتن روش صحیح، تجهیزات کافی و نیروی انسانی ورزیده. به این مناسبت از دبیرستان ها با اطلاع قبلی معلم کلاس دعوت به عمل می آید تا به مسجد آیند و ضمناً برای آنها نیم ساعت تا چهل و پنج دقیقه درباره اسلام صحبت می شد و گاهی بعد از صحبت یکی دو ساعت سؤال و جواب و بحث و گفتگو به زبان آلمانی بوده که این برنامه با استقبال هرساله افزون بر سال گذشته مواجه می شود.

راه دیگر، تماس با افراد به صورت خصوصی بوده است. تلفن می کردند یا حضوراً می آمدند و گاه دو ساعت صحبت می کردند. راه دیگر شرکت در بحث های متقابل میان اسلام و مسیحیت بود. زیرا در آلمان جلسات گوناگونی تشکیل می شده که در این جلسات مناسبات اسلام با مسیحیت، با یهود و با ادیان و جهان بینی های دیگر بررسی می گشت. و بهشتی در جلسات متعدد این چنینی حضور یافت. راه دیگر، شرکت در بحث های علمی اسلامی بود. مثلاً در ژنو، کنفرانسی تحت این عنوان با شرکت حدود ده نفر از دانشمندان اسلام شناس و ده نفر دانشمندان مسیحی کلیسایی تشکیل شد که در آن راجع به برخورد درباره سه موضوع بحث شد همچنین در وین بحث مفصلی با کاردینال بزرگ اتریش به نام آقای کاردینال دکتر کونینگ درباره مناسبات اسلام با مسیحیت برگزار و همچنین در جلسه ای دیگر که طی یک روز تشکیل شد، با شرکت عده ای از دانشمندان سرشناس و اسلام شناس از اساتید دانشگاه وین مناظره ای رخ داد که حدود سه ساعت طول کشید.

وظیفه دیگری که مرکز اسلامی هامبورگ در این باره داشت پاسخ به سؤالات علمی قسمت های شرق شناسی دانشگاه های اروپا بود. خود دانشگاه هامبورگ قسمتی به نام شرق شناسی دارد. رئیس این قسمت آقای پروفیسور اشپولر دو نوبت از شهید بهشتی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وقت می گیرد تا ایشان به همراه کادر علمی و دانشجویان این رشته به مسجد بیایند و درسی را که در برنامه خودشان بوده، سید بهشتی به جای او تدریس کند زیرا پروفیسور اظهار می کردند که فلان ماده تخصص بهشتی حتماً از وی بیشتر است که از این جهت کار تحسین برانگیزی است. (همان، ص ۳۸۱ و ۳۸۲)

انسجام دادن به مسلمانان آلمانی

کار دیگر بهشتی این بود که میان آلمانی‌های مسلمان مقیم آن منطقه ارتباط برقرار کند. زیرا وقتی یک نفر آلمانی مسلمان می شود از محیطش تقریباً بریده می شود و خودش را تک و تنها احساس می کند. و این موضوع را از نامه‌هایی که برای ایشان می رسید، که می گفتند ما اینجا احساس تنهایی می کنیم متوجه شد. نامه هایی که در آن درخواست می شد که : کمک کنید ما از این احساس رنج آور و رنج زنا نجات پیدا کنیم. برای این کار، شهید بهشتی قبل از هر چیز به چند آلمانی مسلمان مخلص احتیاج داشت؛ تا از طریق گروهی مسلمانان مخلص مرکزی به وجود بیاورند. (همان)

معرفی مستقیم و غیرمستقیم مقام زن در اسلام.

به گفته فرزند شهید بهشتی ایشان برای همسر خود احترام وافری قائل بوده و در جریان فعالیت های مختلف ، همسر خود را در جلسات گوناگون شرکت می دادند. این امر بخصوص در اروپا اهمیت خاصی داشت که زن مسلمان با حجابی کامل به جامعه اروپایی به عنوان زنی زنده ، فعال و پرتلاش معرفی شود چون در آن زمان مجامع اروپایی براساس تبلیغات رایج به شدت به اسلام و مسئله زنان مسلمان به صورت منفی می نگریستند و شناخت درستی از مسئولیت و نقش زن مسلمان در جامعه نداشتند ایشان به همسر خود تنها به عنوان فردی که به امور خانه رسیدگی می کند نمی نگریستند بلکه برای وی به عنوان یک زن مسلمان شخصیت مستقلی قائل بودند. (بهشتی ، محمد (توصیفگر)، پیشین، ص ۳۷۴)

علاوه بر آن پس از بازگشت به ایران در اولین جلسه ای که تشکیل شد در تقدیر از همسر خویش چنین فرمودند که روا می دارم که از تلاش های همسر خودم که در این سال ها، به خصوص در سال هایی که محل کار من در منزل بود، قدردانی کنم تا خواهان مبادند که ما مردان مسلمان به حکم اسلام، به خانم ها و خدمات آنها ارج فراوان می گذاریم. (بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی (۱۳۸۰)، پیشین.) ایشان می گفتند من توفیق و موفقیت خود را در این فعالیت های چند ساله در آلمان مرهون مساعدت و همکاری همسر من دانم و اگر کمک های ایشان نبود من در کارم موفق نمی شدم. (بهشتی ، محمد (توصیفگر)، پیشین ، ص ۳۹۵)

تلاش در جهت تقریب مذاهب

به گفته فرزند بهشتی از جمله فعالیت های ایشان در آلمان تلاش در جهت تقریب هرچه بیشتر ادیان و مذاهب به یکدیگر از طریق گفتگوی متقابل بود با سران کلیسا بحث هایی داشتند که در سطح مجامع دینی اروپا تأثیرگذار بود بحث و گفتگوی مهمی با اسقف اعظم اتریش کاردینال در حضور دانشجویان دانشگاه وین داشتند که توانستند با استدلال و منطق قوی این گفتگو را به نفع اسلام خاتمه دهند پس از این جلسه احساس می شد همه دانشجویان مسلمان سربلند و مفتخر از عقیده به چنین مکتبی جلسه را ترک می کردند. (همان، ص ۳۷۶) شهید بهشتی در مرکز اسلامی هامبورگ خیلی باز عمل می کرد مثلاً صرف داشتن روسری یعنی حداقل حجاب اسلامی برای ورود خانم ها به مسجد کافی بود (همان، ص ۳۸۵)

در رابطه با شیوه برخورد بهشتی با پیروان مذاهب اسلامی نیز فرزند ایشان می گوید در اعیاد مذهبی که اکثر اهل سنت می آمدند و در عکسها پیداست که با دست بسته پشت سر ایشان نماز می خواندند و ایشان بسیاری از مستحبات قابل حذف را منع می کردند مثلاً در اذان و اقامه آنچه را که برای اهل سنت حساسیت زا بود حذف می کردند چون وحدت مسلمین را بسیار مهم تر از عمل به مستحب می دانستند (البته ذکر منظور مستحب نیز نمی باشد و صرفاً به قصد رجا به ثواب الهی است) بر همین اساس وقتی بهشتی به ایران بازگشتند بعضی ها علیه ایشان جوی ساخته بودند که ایشان وهابی و سنی است و ولایت علی ع را قبول ندارد. (همان ص ۳۸۲)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با تلاش آقای بهشتی عده ای از مسلمانان آلمانی به اسلام جذب شدند و مسلمان شدند و از جمله اینها پروفسور فرانک بود که در هانوفر مسلمان شده و زن ایرانی گرفت و نیز همسر یکی از دوستان من که مسلمان شد و الان در ایران زندگی می کند که مشخصه همه اینها اعتقاد محکم و آگاهانه به اصول و مبانی اسلام بود. (همان)

متون اسلامی را به تصویب رساند

از اقدامات مهم آقای بهشتی در هامبورگ این بود که چون استان ها در آلمان به صورت فدرال و خودمختار عمل می کنند با هماهنگی هایی که با مسئولان آموزش این استان انجام داد دروس دینی اسلامی را به عنوان دروس رسمی در ترکیب درس های دانش آموزان آلمانی قرار داد تا اگر در بعضی از مناطق بچه های مسلمان یا حتی افراد غیر مسلمان بخواهند درس دینی داشته باشند ناچار نباشند مسیحیت و سایر ادیان را مطالعه کنند بلکه متون اسلامی خود را داشته باشند و این امر را به تصویب مسئولان آموزشی هامبورگ رسانید (همان).

نتیجه

آنچه موجب شد که اقامت ۵ ساله دکتر بهشتی در آلمان پایان پذیرد و ساواک پس از مراجعت شهید بهشتی به ایران مانع خروج مجدد وی و عزیمت دوباره به آلمان شود، وسعت فعالیت های اساسی و پایه ای انجام گرفته از سوی ایشان بود و در ادامه به ذکر مختصر اهم فعالیت های شهید بهشتی در هامبورگ آلمان می پردازیم ، فعالیت هایی که با هدف انسجام و تشکیلاتی بودن روابط مسلمانان ، جذب حداکثری و دفع حداکثری ، ارایه زیبایی های فردی و اجتماعی اسلام به افراد نا آشنا با آن ، ارائه فرصت به مخاطب جهت پرسشگری و داشتن شخصیت مسئولانه در رابطه با دین ، نقش آفرینی جوانان مسلمان در برابر انفعال اجتماعی وی ، تقویت فضای گفت وگو و بالابردن سطح تفکر و انتخاب آگاهانه و صورت پذیرفته :

- تغییر نام واحد اسلامی، به نام «مرکز اسلامی هامبورگ» تا شعاع های وسیع عمل را داشته باشند.
- تمام کردن ساخت مسجد را با توجه به شرایط و مقتضیات زمان وظیفه مسلمانان میدانستند و برای تکمیل ساختمان آن تلاش کردند و به نتیجه رساندند.
- برگزاری جلسات هفتگی و ماهانه و موسمی در مسجد هامبورگ.
- تماس روز افزون است با آلمانی های علاقه مند به آشنایی با اسلام از راه های مختلف و کمک های خدماتی و تعاونی در پوشش فعالیت های مسجد.
- انسجام دادن به روابط میان مسلمانان ساکن آلمان
- دادن هویت مستقل به انجمن اسلامی دانشجویان.
- تدوین پیش نویس اساسنامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا (گروه فارسی زبانان)
- سخنرانی در مجامع مختلف علمی آلمان
- مناظره با توده ای ها. وی دعوت مناظره و جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان توده ای را می پذیرفت.
- مسافرت های علمی و مذهبی در دوران اقامت در آلمان
- مناظره با سران کلیسا. مناظره مهمی با اسقف اعظم اتریش کاردینال koeimy در حضور دانشجویان دانشگاه وین داشت که با استدلال قوی آن را به نفع اسلام تمام کرد.
- تلاش و اقداماتی در جهت تقریب مذاهب مسلمان
- راه اندازی نشریه مکتب مبارز و قدس به سفارش ایشان و توسط اعضای ایرانی اتحادیه در مقابل هفته نامه اعضای حزب توده ایران در اروپا. نشریه مکتب مبارز موجب انسجام دانشجویان مسلمان ایرانی در برابر گروه های غیرمذهبی شد.
- دور نگه داشتن اتحادیه انجمن های اسلامی در آلمان از آسیب ساواک.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

-تألیف کتاب «نماز چیست» و چاپ آن در آلمان و ایران.
- متون اسلامی را به تصویب مسئولان آموزشی هامبورگ رسانید

منابع

بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی (۱۳۸۰)، بازشناسی یک اندیشه، نشر کانون پژوهش.
محمد حسینی بهشتی (توصیفگر)، سیره شهید بهشتی، نشر موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، سال ۱۳۸۷.
فرامرزشعاع حسینی ۱۳۹۲، بهشتی از زبان بهشتی ج ۱، نشر شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
محمد رضا سرابندی (۱۳۸۳)، بهشتی در هامبورگ، زمانه شماره ۲۴.